

چهارپاره

در شعر



نگاهی به پیشینه‌ی چهارپاره

حدود سال ۱۲۸۸ش شاعران ایران برای تحول شعر فارسی پا پیش گذاشتند و اولین اشعاری که سرودند در قالب چهارپاره بود. ایشان که می‌خواستند در شعر کلاسیک ایران، به تقلید از اروپا، تحول ایجاد کنند، در گام اول شعر را از قید قافیه آزادتر کردند و این روند به پیدایش چهارپاره انجامید. این قالب تقریباً تا سال (۱۲۹۹ هـ.ش.) قالب رایج و معمول شعرا گردید. اما، بعد از آن در صدد برآمدند که شعر فارسی را از حیث وزن آزادتر نمایند. به این ترتیب، با سرودن اشعاری که تساوی مصراع‌ها در آن رعایت نمی‌شد «شعر آزاد» را پایه‌گذاری کردند و چون این نوع شعر با سروده شدن

چکیده

آنچه از نظرتان می‌گذرد فشرده‌ای از پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد نویسنده، تحت‌عنوان «چهارپاره» است، که توسط ایشان تهیه و ارسال شده است (با حذف مقدمه‌ی مقاله و شواهد مکرر آن).

کلواژه‌ها

چهارپاره، عادی و متعارف، ترکیب‌بندی، مستزاد.

قالب چهارپاره از جمله قالب‌هایی است
که تعداد بیت‌ها (بندها) در آن مطرح نیست

احمد قلی زاده
کارشناس ارشد زبان و ادب فارسی
و دبیر دبیرستان‌های سراب، آذربایجان شرقی

شعر «افسانه»ی نیما نمود پیدا کرد، نیما «پدر شعر نو» شناخته شد و شعر نو یا آزاد را «نیمایی» نیز نامیدند. پس می‌توان گفت حدود ۱۱ سال (بین سال‌های ۱۲۸۸ تا ۱۲۹۹) چهارپاره مد نظر شعرا بود و پس از آن نیز با وجود پیدایش قالب نیمایی، چهارپاره در کنار شعر نیمایی جایگاه خود را مستحکم کرد.

بلندی و کوتاهی چهارپاره‌ها

برای اغلب قوالب شعر از نظر کمیّت و تعداد بیت‌ها حد و اندازه‌ای معین گردیده است و باید ضوابط آن در سرودن اشعار رعایت شود. اگرچه برخی رعایت نکرده‌اند. اما قالب چهارپاره از جمله قالب‌هایی است که تعداد بیت‌ها (بندها) در آن مطرح نیست و شاعر، به مقتضای موضوع، مختار است که کمیّت آن را خود تعیین نماید. طی بررسی‌های به عمل آمده کم‌ترین اندازه‌ی چهارپاره دو بند مشاهده شده است اما اشعاری هم دیده شده که تنها از یک بند (دو بیت) تشکیل یافته‌اند. البته به نظر می‌رسد اشعاری که یک بند (دو بیت) دارند و از قاعده‌ی منظم قافیه‌بندی و اوزان دوییتی و رباعی تبعیت نمی‌کنند در ردیف چهارپاره قرار دارند. به هر حال، کم‌ترین حد چهارپاره یک بند و بیش‌ترین حد آن نامحدود است. نگارنده در بررسی‌های خود طولانی‌ترین چهارپاره را در دیوان ملک‌الشعرا بهار با عنوان «مرغ شباهنگ» یافته است، که ۳۸ بند دارد. احتمالاً چهارپاره‌های طولانی‌تری نیز وجود داشته باشد. نمونه‌ای از چهارپاره‌ی یک‌بندی:

حسرت نرم به خواب آن مرداب
کارام درون دشت شب خفته است
دریایم و نیست باکم از طوفان
دریا، همه عمر خوابش آشفته است
(شفیعی کدکنی)

اشکال صوری چهارپاره‌ها

الف) چهارپاره‌های عادی و متعارف - چهارپاره‌هایی هستند که در هر بند آن چهار مصراع وجود دارد، به طوری که تمامی مصراع‌های آن از لحاظ هجای عروضی با همدیگر برابرند و بیش‌ترین و معمول‌ترین چهارپاره‌ها در آثار شعری معاصر از این نوع‌اند. نمونه:

بت تراش

بیکر تراش بپیرم و با تیشه‌ی خیال
هر شب تو را ز مرمر شعر آفریده‌ام
تا در نگین چشم تو نقش هوس زخم
ناز هزار چشم سیه را خریدم
(نادر نادرپور)

ب) چهارپاره‌های مستزاد - همان‌طوری که در بعضی از قالب‌های شعری مستزاد ساخته می‌شود، شاعران

پ) چهارپاره‌های ترکیب‌بندی شاعران نوپرداز، سرودن ترکیب‌بند را به اشعار سنتی منحصر نکرده‌اند و با قالب چهارپاره نیز، نوعی ترکیب‌بند ساخته‌اند. نمونه:

آواز توحید

چون ندایت مرا رسد بر گوش
با تمام وجود برخیزم
پای درگاه کبریایی تو
خویشتن را به خاک می‌ریزم
می‌شوم ابتدای یک آغاز
تا که توحید را کنم آواز
من کویرم ولی ز بارش تو
ای سحاب امید می‌رویم
در شب سرد و تیره‌ی عصیان
تابش دل‌گماز می‌جویم
تا که آتش زند سرای کشت

نیست سازد درون من، من زشت...
(داوود دولت‌آبادی)

یادآوری می‌شود شاعران چهارپاره‌سرا اشعاری با بندهای پنج یا شش مصراعی نیز به گونه‌های متنوع سروده‌اند که از پرداختن به آن موارد در این مختصر پرهیز می‌شود.

به هر حال، کم‌ترین حد چهارپاره یک بند و بیش‌ترین حد آن نامحدود است

اشکال قافیه‌بندی چهارپاره‌ها

الف) هر چهار مصراع در بندها هم قافیه است:

_____ *
_____ *
_____ *
_____ *

نمونه:

دیدار واپسین

باران کند ز لوح زمین، نقش اشک
پاک

آواز در، به نعره‌ی طوفان شود هلاک

بیهوده‌می‌فشانی اشک این چنین به
خاک
بیهوده می‌زنی به در، انگشت
درنداک...
احمد شاملو (ا. بامداد)

ب) مصراع‌های اول با سوم و دوم با چهارم هم قافیه است:

_____ *
_____ □
_____ *
_____ □

نمونه:

شب در آن جنگل ساکت سرد
برف و تاریکی و سوز و سرما
باد یخ بسته هنگامه می‌کرد
بسته برف و سیاهی ره ما...
(فریدون مشیری)

پ) مصراع‌های اول و دوم و چهارم هم قافیه است.

_____ *
_____ □
_____ *
_____ □

نمونه:

شب بیکر قیرینه در مهتاب
می‌شست

مه، چهره‌ی سیماگون در آب
می‌شست

من، گنگ و دل‌گیر از غم بیماری
او

او، چهره را با اشک‌های ناب
می‌شست

حسن اسدی (شب‌دیز)

ت) مصراع‌های اول با چهارم و دوم با سوم هم قافیه است (به صورت ضرب‌دری)

_____ *
_____ □
_____ □
_____ *

نمونه:

می‌رفت و آفتاب به دنبال می‌کشید
دامن ز دست کشته‌ی خود، روز

نیمه‌جان

خونین فتاده روز از آن تیغ

خون فشان

در خاک می‌تپید و پی‌یار می‌خزید...
هوشنگ ابتهاج (ه. الف - سایه)

ث) مصراع‌های دوم و چهارم هم قافیه است.

□ _____
* _____
○ _____
* _____

نمونه:

... پیش من نیستی و دیده‌ی من
پیش خود ننگرد به جز تو تنی
لحظه‌ای از تو «من» جدا نشود
قصه کوتاه، من توأم تو منی...
(دکتر مهدی حمیدی)

من

- اعظمی، راد گنبد دردی، مسمط در شعر فارسی، امیرکبیر، چ، ۱، ۲۰۱۳۶۶.
- جنتی عطایی، ابوالقاسم، نیما یوشیج (زندگانی و آثار او)، انتشارات نگاه مطبوعاتی صفی‌علیشاه، ۲۰۱۳۴۶.
- حاکمی، اسماعیل، ادبیات معاصر، از سری انتشارات متون درسی، چ، ۳، ۴۰۱۳۵۷.
- رزمجو، حسین، انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، مؤسسه‌ی چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، چ، ۱، ۵۰۱۳۷۰.
- سپانلو، محمدعلی، شهر شعر بهار، چ، ۱، ۶۰۱۳۷۴.
- سرامی، قدمعلی، از خاک تا افلاک، انتشارات ترفند، چ، ۱، ۷۰۱۳۷۹.
- سیدحسینی، رضا، مکتب‌های ادبی، انتشارات نگاه، چ، ۹، ۸۰۱۳۶۶.
- شاهین، داریوش، راهیان شعر امروز، مؤسسه‌ی انتشارات مدبر، چ، ۱، ۹۰۱۳۶۹.
- شمیسا، سیروس، انواع ادبی، سلسله انتشارات متون درسی، ۱۰۰.
- لنگرودی، شمس، تاریخ تحلیلی شعر نو، چ، ۱، نشر مرکز، چ، ۱، ۱۱۰۱۳۷۰.
- میرصادقی، میمنت، واژه‌نامه‌ی هنر شاعری، کتاب مهناز، چ، ۱، ۱۳۷۳.

